فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۱، تابستان ۹۷، صفحات ۱۶۹-۱۴۳

بررسی تطبیقی ویژگی‌های جمعیتی-اقتصادی مهاجران شهر به‌روستا با کلان‌شهری در ایران

علی قاسمی اردهایی[۱]، رضا نوبخت[۲]، شفیعه قدرتی[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

چکیده

طی چندین دهه‌ی گذشته، مهاجرت به کلان‌شهرها از جمله تهران مهم‌ترین ویژگی جریان مهاجرتی در ایران بوده است. از جانب دیگر، در دهه‌ی اخیر بر درصد مهاجرت‌های شهر به روستا بیش از پیش افزوده شده است. برای تحلیل بهتر وضعیت مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری، مهاجران این دو جریان مهاجرتی در ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی مورد مطالعه‌ی مقایسه‌ای قرار گرفته‌اند. با تأکید بر نظریه‌های حوزه‌ی مهاجرت شهر به روستا و نظریه‌ی جریان ضدشهرنشینی، یافته‌ها نشان می‌دهد در ویژگی‌های جمعیتی - اقتصادی؛ ترکیب سنی- جنسی، وضع زناشوئی و سرپرستی خانوار، وضع تحصیلات و نوع شغل، تفاوت‌های عمده‌ای بین مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری وجود دارد که مؤثرترین این تفاوت در شغل مهاجران است. برتری مهاجران ماهر در امر کشاورزی و کارگران ساده در مهاجرت‌های شهر به روستا و صاحبان سایر مشاغل در مهاجرت‌های کلان شهری قابل مشهود است. تفاوت در ویژگی‌های یاد شده به نفع کلان‌شهرها بوده و مهاجران واردشده به کلان‌شهرها از ویژگی‌های کیفی مناسب‌تری نسبت به مهاجران مناطق روستایی برخوردارند. این امر در پیشبرد اهداف توسعه‌ای در مناطق روستایی قابل توجه بوده و در برنامه‌های توسعه‌ای و جمعیتی برای کل کشور بایستی به این ویژگی‌های متفاوت دو گروه از مهاجران توجه نمود.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت شهر به روستا؛ مهاجرت کلان‌شهری؛ شهرهای پرجمعیت؛ جریان ضد شهرنشینی؛ ویژگی‌های مهاجران.

[۱] استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور(نویسنده‌ی مسئول) ghasemi33@yahoo.com

[۲] دکتری جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور rz.nobakht@gmail.com

[۳] استادیار جمعیت شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری ghodrati@hsu.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

طرح مسأله

در ایران هرچند مهاجرت‌های شهر به شهر و روستا به شهر شکل غالب مهاجرت‌ها تا دهه‌ی هشتاد شمسی بوده و ذهن اندیشمندان علوم مختلف را به خود مشغول کرده بود، اما الگوها و اشکال جدید مهاجرتی مانند مهاجرت شهر به روستا نیز قابل تأمل و مطالعه است. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، بحث در زمینه‌ی روند گریز از متمرکزشدن جمعیت در کلان‌شهرها و جایگزین‌شدن پراکندگی جمعیت(ضد شهرنشینی) تشدید شده است(بری[1] ۱۹۷٦؛ گردون[2] ۱۹۷۹؛ فیلدینگ[3] ۱۹۸۲؛ چامپیون[4] ۱۹۸۹). مطالعات انجام‌شده در کشورهای اروپایی در طول دهه‌های ۱۹٦۰ و ۱۹۹۰ نشان می‌دهد الگوی روشنی که نشان‌دهنده‌ی روند شهرنشینی و نیز ضد شهرنشینی باشد، وجود ندارد(کونتولی[5]، ۱۹۹۸). بری جریان ضد شهرنشینی را «فرآیند عدم تمرکز، حرکت از یک وضعیت متمرکز به یک وضعیت کم تمرکز» (بری، ۱۹۷٦: ۱۷) تعریف کرده است. این پدیده موجب تعدیل ساختارهای جمعیتی و گسترش زیرساخت‌ها در نواحی روستایی خواهد شد. پدیده‌ی مهاجرت شهر به روستا بیش‌تر واکنشی نسبت به ایجاد جذابیت در مناطق روستایی قلمداد می‌شود که از طریق ایجاد درآمد در فعالیت‌هایی مانند کشاورزی و دامداری، بازنشستگی و گاهی ناشی از مشکلات زندگی شهری پدید می‌آید(اُکالی و اُلاووی[6]، ۲۰۰۱). در مطالعات کلان‌شهری ایران، بیش‌ترین توجهات به کلان‌شهرهای تهران، کرج، اصفهان، شیراز، تبریز و قم است. این شهرها بیش‌تر به لحاظ اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، زیستی، معماری- فیزیکی و جمعیتی و نیز مشکلات برآمده از شهرنشینی مورد توجه قرار گرفته‌اند. باید توجه داشت نزدیک به ٤۰٪ جمعیت شهری ایران در هشت کلان‌شهر[7](شهرهایی که بالای یک میلیون نفر جمعیت دارند) تهران، مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، شیراز، اهواز و قم ساکنند. افزایش جمعیت کلان‌شهرها بیش‌تر در اثر جریان مهاجرت(بیش‌تر از نقاط روستایی و شهرهای کوچک) صورت گرفته است. مهاجرانی که زندگی در یک محیط با فشارهای اقتصادی، اجتماعی و زیست - محیطی را بر محیط‌های آرام و کم‌هزینه ترجیح داده‌اند. تمرکز مهاجران در این کلان‌شهرها در کنار پیامدهای مثبت، تبعات اجتماعی،

[1] Berry
[2] Gordon
[3] Fielding
[4] Champion
[5] Kontouly
[6] Okali and Olawoye
[7] Metropolis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فرهنگی، اقتصادی و محیطی را برای کلان‌شهرها به همراه دارد. مشکلاتی در زمینه‌ی ترافیک، آلودگی هوا، آب مصرفی، هزینه‌ی زندگی و فشارهای روحی و روانی از آن جمله‌اند.

جمعیت، بالقوه یک محرک مناسب جهت سطح توسعه‌ی هر منطقه‌ی جغرافیایی است. انباشت بیش از حد آن در کلان شهرها و نیز تراکم پایین آن در مناطق روستایی ایران می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده‌ی توسعه‌ای برای کل کشور باشد. در تمام دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، مدل‌های جدیدی از توزیع جمعیت ظهور یافت و از طرفی پروژه‌های متعددی نیز بر اساس درون‌یابی و مقایسه‌ی روندهای گذشته به کار گرفته شد. اما هیچ کدام از این مدل‌ها یا پروژه‌ها نتوانست به طور دقیق الگوهایی را که در آینده اتفاق می‌افتند، پیش‌بینی نمایند. این مدل‌ها را بری (۱۹۷۶) و تامپسون[1] (۱۹۶۸) بر اساس رشد شهر و فرآیند توسعه طراحی نمودند. تامپسون بحث کرده که مراکز شهری بزرگ، مکانی با تکنولوژی مدرن و رشد صنعتی بالاست. زیرساخت‌های متنوع در این مراکز توانایی تغییر رکود اقتصادی و نیز تولید و مصرف را که مانع رشد جوامع صنعتی کوچک‌تر است، از بین می‌برد. بری بر تأثیر تغییرات در انتقال کوتاه‌مدت و بلندمدت و نیز شیوع روابط الکترونیک مدرن تأکید می‌کند. اگرچه راونشتاین[2](۱۸۸۵) در قوانین مهاجرت به اصل مهاجرت معکوس توجه نموده و بیان می‌کند هر جریان مهاجرتی به وسیله‌ی یک ضد جریان جبران می‌گردد، اما توجه به این مدل مهاجرتی نسبت به مدل‌های دیگر در سطح بین‌المللی ناچیز بوده است. مانگلام[3](۱۹۶۸) بیان می‌کند از ۲۰۵۰ عنوان مطالعه‌ی انجام‌شده در حوزه‌ی مهاجرت تنها ۱۰ عنوان به مهاجرت شهر به روستا اختصاص یافته است.

مهاجران به شهر تهران و نیز سایر کلان‌شهرهای ایران نسبت به مهاجران از مناطق شهری به مناطق روستایی، ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی خاصی خواهند داشت که بررسی مقایسه‌ای آن در سازماندهی جمعیت هر دو مناطق روستایی و کلان‌شهری و نیز برنامه‌ریزی در توزیع مناسب جمعیت(به عنوان مؤلفه‌ی اصلی آمایش سرزمین) می‌تواند مؤثر واقع گردد. بنابراین، شناخت این که چه کسانی و با چه ویژگی‌هایی به روستاها و کلان‌شهرها مهاجرت می‌کنند، می‌تواند نقش مناسبی در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مدیران کلان‌شهرها و روستاها داشته باشد. با توجه به وقوع و شدت مهاجرت به کلان‌شهرها در ایران طی چندین دهه‌ی گذشته و قوت‌گرفتن

[1] Thompson
[2] Ravenstein
[3] Mangalam

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مهاجرت از شهر به روستا طی دهه‌ی اخیر، در این مقاله سعی می‌گردد با استفاده از داده‌های کل و دو درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ دو جریان مهاجرت به کلان‌شهرها و مهاجرت شهر به روستا در ویژگی‌های جمعیتی- اقتصادی مورد مطالعه‌ی تطبیقی قرار گیرند. مشخص است که مطالعه‌ی تطبیقی این دو جریان مهاجرتی در مقابل هم، می‌تواند بسیاری از وجوه مهاجرت‌های داخلی را در ایران روشن سازد.

پیشینه‌ی پژوهش

مظاهری(۱۳۹۰) به بررسی تأثیرات متقابل فضایی کلان‌شهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت شهر به روستا و عوامل تأثیرگذار بر آن پرداخته است. در این مطالعه به متغیرهایی که به عوامل جاذبه‌ی روستایی، مانند ارزانی زمین و مسکن، پاکیزگی هوا، نبود مشکلات شهری شناخته می‌شوند، تأکید شده است. نتایج به تأثیرگذاری بیش‌تر عواملی مانند تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا و نزدیکی به محل کار و فعالیت تأکید می‌کند.

قاسمی اردهایی(۱۳۹۵) در مطالعه‌ی خود تحت عنوان «تحلیل جریان‌های مهاجرت به مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران»، معتقد است بین سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۵ سالانه به طور متوسط صد هزار مهاجر و بین سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰ حدود ۷۵ هزار مهاجر وارد شهر تهران شده است. بیش‌ترین علت مهاجرت به شهر تهران عامل پیروی از خانوار(٤٤/۵٪) به دست آمده است. بعد از این عامل علت‌های اشتغال(جستجوی کار و کار بهتر و انتقال شغلی) با ۲۵/۵٪، تحصیل و پایان تحصیل با ١٤/۵٪، دستیابی به مسکن مناسب‌تر با ۱۳٪ و در نهایت انجام و پایان خدمت وظیفه با ۲/۵٪ قرار دارند.

کاسای و شفر[1] (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با عنوان «توزیع جمعیت سوئیس با تأکید بر مفاهیم عدم تمرکزگرایی، جریان ضدشهرنشینی یا روند معکوس جمعیت» به این موضوع اشاره دارند که سوئیس عدم تمرکزگرایی را در دهه‌ی ۱۹۷۰ در سطح استانی و در دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در سطح ناحیه‌ای تجربه نموده است. نتایج مطالعه نشان داده که روند حرکتی از نواحی با تراکم بالا و پرجمعیت به سمت مناطق کوچک، کم‌جمعیت و متوسط با تراکم پایین بوده است. در سوئد در دهه‌ی ۱۹۷۰ شواهدی از پراکندگی جمعیت مشاهده شد که عمدتاً نتیجه‌ی مهاجرت به حومه‌ی

[1] Kahsai and Schaeffer

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شهرها و روستاهای اطراف بوده است. اصطلاح موج سبز، شاید به تغییر در نگرش‌ها نسبت به روستا و زندگی روستایی در آمارهای مهاجرت مرتبط باشد. اگرچه تعداد افرادی که به طرف حومه‌ی شهر و یا روستا مهاجرت کرده بودند ناچیز بود، اما به احتمال زیاد بسیاری از افراد در این مورد دیدگاه مشترک داشتند که زندگی در روستا بهتر از شهر است. آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ با جریان شهرنشینی و به دنبال آن پایان دهه‌ی ۱۹۸۰ با رشد جریان ضد شهرنشینی همراه بوده است (بورگگارد و همکاران[1]، ۱۹۹۵).

بیوچمین[2](۲۰۱۱) در مطالعه‌ی خود در غرب آفریقا به این موضوع اشاره دارد که اگرچه آفریقا معمولاً قاره‌ای است با رشد بالای شهرنشینی، اما در برخی کشورهای آفریقایی، مهاجرت از روستاها کاهش یافته است یا این که این حرکت دچار رکود شده است و به این اشاره دارد که این نوع حرکات جمعیتی تنها مختص کشورهای صنعتی و پیشرفته نیست. این موضوع در کشورهایی مانند ساحل عاج که تجربه‌ی بیش‌تری از جریان ضد شهرنشینی دارد، بیش‌تر دیده می‌شود.

چهارچوب نظری پژوهش

از دهه‌ی ۱۸۵۰ به بعد دو روند را می‌توان در ارتباط با توزیع مجدد جمعیت در کشورهای صنعتی متصور شد. روند اول در اواخر قرن نوزده است که شاهد تمرکز جمعیت در تعداد محدودی از مناطق شهری هستیم و دوم در چند دهه‌ی اخیر که جریانی ایجاد گردیده که متفاوت از جریان قبلی است و برخی به آن به عنوان روند غیر قابل انتظار توجه نموده‌اند. در شروع دهه‌ی ۱۹۷۰، تعدادی از مراکز اصلی تمرکز جمعیت در مناطق صنعتی، تجربه‌ی جدیدی را در زمینه‌ی افزایش حرکات جمعیت به سمت مناطق پیرامونی و روستایی تجربه نمودند(وینینگ و کونتولی[3]، ۱۹۷۸: ٤۹). دیدگاه بری در این زمینه نقطه‌ی عطفی به شمار می‌آید. او می‌گوید که جریان ضد شهرنشینی[4] جایگزین شهرنشینی شده است و این نیرویی است که الگوهای سکونت در مناطق مختلف را تحت تأثیر قرار داده است(بری، ۱۹۷٦: ۱۷). در اصل جریان ضد شهرنشینی شامل مجموعه‌ای تغییرات اساسی در توزیع جمعیت است که شامل حرکت جمعیت از مناطق صنعتی به

[1] Borgegard etal
[2] Beauchemin
[3] Vining and Kountuly
[4] Counterurbanization theory

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مناطق پیرامون و روستایی است. چامپیون بیان می‌کند که «مفهوم پراکندگی می‌تواند در برخی مفاهیم دیگر قرار گیرد که از لحاظ فرآیند و الگو با هم متفاوت باشند. عدم تمرکز[1] یکی از فرآیندهای اصولی و اساسی است که به جریان ضد شهرنشینی منجر می‌شود که خود این جریان، شکل خاصی از پراکندگی جمعیت به حساب می‌آید»(چامپیون ۱۹۸۹: ۲٤۰).

چارچوب‌های نظری به کار گرفته‌شده برای مهاجرت‌های کلان‌شهری بسیار متفاوت‌تر از مهاجرت شهر به روستا است. با تلفیق این دو چارچوب نظری است که می‌توان دو جریان مهاجرتی متقابل هم را مورد بررسی دقیق قرار داد. یکی از موضوعات و سؤالات مورد بررسی در مطالعات مهاجرت‌های شهر به روستا و کلان‌شهری این است که چه کسانی مطابق جریان شهرنشینی و ضد شهری حرکت می‌کنند؟ این دسته از مهاجران چه کسانی هستند و چه تفاوت‌هایی با مهاجران دیگر دارند که مقصد آن‌ها متفاوت است؟ از مجموع نظریه‌های مهاجرت، نظریه‌های راونشتاین، لی و جریان ضد شهرنشینی، تحلیل‌کننده‌های نظری مناسب برای این سؤالات می‌باشند.

نخستین تبیین نظری درباره‌ی قانونمندی‌های مهاجرت توسط راونشتاین تحت عنوان قوانین مهاجرت مطرح شد. وی برای اولین بار استدلال کرد که مهاجرت اتفاقی نیست، بلکه قوانینی خاص بر آن حاکم است. در ادامه قوانینی را که راونشتاین بحث کرده ارائه می‌شود:

۱ – مهاجرت و مسافت: اکثر مهاجران فواصل کوتاه را طی می‌کنند و با طولانی‌ترشدن فاصله بین مبدأ و مقصد دو گرایش ضمنی در مهاجران پدید می‌آید؛ الف- استقرار در نقاط شهری به‌ویژه شهرهای بزرگ ب- مهاجرت به سوی قطب‌های صنعتی تجاری.

۲- مهاجرت مرحله‌ای: مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ می‌باشد.

۳- جریان و ضد جریان: همانطور که مهاجرت بیش‌تر از نقاط روستائی به شهر می‌باشد، یک جریان وارونه‌ای نیز از نقاط شهری به روستائی وجود دارد.

٤- اختلاف روستا – شهری در تمایل به مهاجرت: در این قانون، اهالی شهر نسبت به اهالی نواحی روستایی کم‌تر اقدام به مهاجرت می‌کنند. از این رو در مهاجرت‌های داخلی خالص مهاجرت روستا به شهر بیش‌تر است.

[1] Deconcenteration

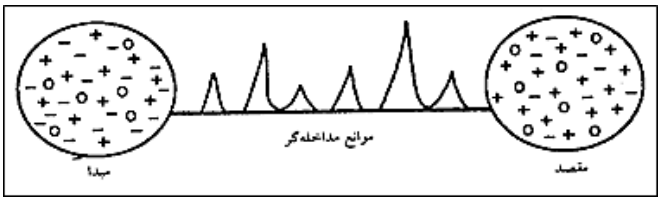
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۵- ارتباطات و تکنولوژی و مهاجرت: هرچه ارتباطات و تکنولوژی گسترش یابد مهاجرت افزایش می‌یابد.

٦- غلبه‌ی انگیزه‌ی اقتصادی: با در نظر گرفتن سایر عوامل، عامل اقتصادی مهم‌ترین برانگیزنده‌ی مهاجرت‌ها است.

۷- در جائی که مسافت کوتاه باشد، مهاجرت زنان بیش‌تر است(لهسایی زاده، ۱۳٦۸: ۸۷).

اورت لی[1] عواملی را که در تصمیم به انجام مهاجرت و فرآیند آن وارد می‌شوند، تحت چهار عنوان خلاصه کرده است: ۱) عواملی که با مبدأ ارتباط دارد، ۲) عواملی که با مقصد ارتباط دارد، ۳) موانع بازدارنده و ٤) عوامل شخصی. در هر حوزه، عوامل متعددی در جذب افراد در آن حوزه مؤثر بوده(+) و همچنین عوامل دیگری موجب دفع افراد از آن حوزه می‌شوند(ـ) و عوامل دیگری هم برای افراد ضروراً بی‌تفاوت(o) می‌باشد(لهسایی زاده، ۱۳٦۸: ٦۱).



شکل شماره‌ی یک- عوامل مبدأ و مقصد و بازدارنده‌ها در مدل مهاجرت لی

گرچه عوامل مثبت و منفی مبدأ و مقصد که خصوصیات شخصیتی افراد مختلف را درنظر می‌گیرد، تا حد زیادی به تبیین کلی مهاجرت کمک می‌کند، ولی کافی نیست. از این رو، لی مفهوم «موانع دخالت‌کننده» را بین تمام نقاط مبدأ و مقصد در نظر می‌گیرد. همانند عوامل مثبت و منفی مبدأ و مقصد، موانع مداخله‌کننده نیز تأثیر متفاوتی بر افراد مختلف به جای می‌گذارد. آن چه که ممکن است برای یک مهاجر بالقوه مانع جزئی تلقی شود(برای مثال هزینه‌ی حمل و نقل برای فردی که از نظر مالی مرفه است) می‌تواند برای مهاجر دیگری مانع عمده باشد(همان هزینه‌ی حمل‌ونقل برای فرد تنگدست)(تودارو، ۱۳٦۷: ۲۲ و ۲۳). نکته‌ی قوت نظریه، تأکید وی درباره‌ی عوامل شخصی است. تحت تأثیر این است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و برخی

[1] Everett's Lee

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند(زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳). پس ویژگی‌های شخصی مهاجران از جمله سن، جنس، تحصیلات، اشتغال، وضعیت تأهل، همبستگی‌های خانوادگی و غیره را نیز باید از عوامل مؤثر بر مهاجرت به شمار آورد.

تبیین و تفسیر جریان ضد شهرنشینی می‌تواند هم در سطح کلان و هم در سطح خرد انجام شود. کونتولی(۱۹۹۸) بر اساس چندین مطالعه‌ی انجام‌شده در کشورهای مختلف اروپایی، دیدگاهی تبیینی را ارائه می‌دهد. هر کدام از تبیین‌ها بخش خاصی از موضوع را مد نظر قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد اکثر محققان در این زمینه که پدیده‌ی مذکور از پیچیدگی برخوردار است و تنها یک فاکتور نمی‌تواند یک رویکرد تبیینی دقیقی را فراهم نماید، توافق دارند(موسلی[1]، ۱۹۸٤؛ فری[2]، ۱۹۸۹؛ گیر[3]، ۱۹۹٦). مفهوم ضد شهرنشینی هنوز هم محل مناقشه دارد و تعریف و تفسیر آن کاملاً واضح و دقیق نیست. همان گونه که والفورد[4](۲۰۰٤: ۲۱) بیان می‌کند، مفهوم جریان ضد شهرنشنی، یک مفهوم آشفته است. از این لحاظ این مفهوم نقطه‌ی مقابل مفهوم شهرنشینی است که یک الگوی ساده را توصیف می‌کند. بیش‌تر مطالعات در این حوزه بر تعریف ارائه‌شده توسط بری(۱۹۷٦: ۱۷) تأکید دارند. در تعریف بری: جریان ضد شهرنشینی، فرآیندی است از تراکم‌زدایی جمعیت؛ یعنی حرکت از یک ایالت یا استان که از تراکم جمعیتی بالایی برخوردار است به مناطقی که دارای تراکم جمعیتی پایین هستند. با دقت در این تعریف، می‌توان به این نتیجه رسید که جریان ضد شهرنشینی، پیش‌فرض مهاجرت از مناطق بزرگ و پر جمعیت به مناطق کوچک است که موجب می‌گردد در طول این روند، یک الگوی متعادل‌تر برای تراکم و توزیع جمعیت و نیز برای توسعه ایجاد شود(دین و همکاران[5]،۱۹۸٤). این تعریف با آن چه چامپیون و فیلدینگ بیان نموده‌اند، موافق و سازگار است. رابطه بین اندازه‌ی سکونت‌گاه یا منطقه‌ی مورد نظر و خالص مهاجرت نیز در برخی مطالعات در این رابطه مورد بررسی قرار گرفته است(فیلدینگ، ۱۹۸۲؛ کونتولی و وولسانگ[6]، ۱۹۸۸).

در کل، نظریه‌ها و مطالعاتی که در زمینه‌ی مهاجرت شهر به روستا و مهاجرت به کلان‌شهرها وجود دارد را می‌توان در قالب کلی مفاهیم جاذبه و دافعه‌ی مبدأ و مقصد قرار داد. برای هر دو

[1] Mosley
[2] Ferry
[3] Geyer
[4] Walford
[5] Dean etal
[6] Kontuly and Vogeslang

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نقطه‌ی مهاجرتی می‌توان یک سری جاذبه‌ها و دافعه‌هایی را در نظر گرفت. در مراحل شکل‌گیری کلان‌شهرها و رشد میزان شهرنشینی کشورها، این جاذبه‌ی شهرها(کلان‌شهرها) بود که بر دافعه‌ی آن غلبه داشت و مهاجران بی‌شماری را به سمت نواحی شهری می‌کشاند. نظریه‌ها و مطالعاتی هم که در این دوران تدوین شده است، بیش‌تر به جاذبه‌های نقاط شهری و دافعه‌های روستایی تأکید داشتند. بیکاری، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، نبود امکانات رفاهی، عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی و رسانه‌های ارتباطی، عدم وجود شغل مناسب با تحصیلات افراد در نقاط روستایی و در مقابل، وجود شغل، فضای باز اجتماعی، مشاغل صنعتی و خدماتی مناسب با تحصیلات افراد، امکانات و تسهیلات رفاهی و بهداشتی، مسکن‌های مناسب، وجود رسانه‌های جمعی و خدمات آموزشی در نقاط شهری از جمله مهم‌ترین دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری مورد توجه بودند. در بیش‌تر مواقع، غلبه جاذبه‌های شهری بر دافعه‌های روستایی موجب می‌گردید موج‌های مهاجرتی عظیمی از نقاط روستایی به سوی شهرهای بزرگ در جریان باشد. با افزایش کلان‌شهرها و اشباع میزان شهرنشینی، مشکلات و مسایل اقتصادی، اجتماعی، رفاهی و زیست- محیطی ناشی از شهرنشینی روز به روز نمایان شد. اشباع مشاغل شهری و صنعتی، افزایش مشکلات بهداشتی و روانی، زیست- محیطی و هزینه‌های زندگی و مسکن در کلان‌شهرها موجب گردید که این مناطق، دیگر آن جاذبه‌های قبلی را نداشته باشند. به‌ویژه این که برای برخی از زیرگروه‌های جمعیتی همانند سالمندان، کارگران روزمزد، کارگران صنایع ورشکسته و طبقه‌ی کم‌درآمد، دافعه‌های شهری بیش‌تر از جاذبه‌های آن نمایان شد. در چنین شرایطی موجی از اندیشه‌های ضد شهرنشینی شکل گرفت. توأم بودن این اندیشه‌های ضدشهرنشینی با گسترش و توسعه‌ی وسایل ارتباطی و دسترسی راحت‌تر به نقاط روستایی و توسعه‌ی زیرساخت‌های نواحی روستایی منجر به شکل‌گیری و تشدید مهاجرت‌هایی به مقصد روستا گردید.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق، تحلیل ثانویه‌ی داده‌های کل و دو درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ است. مهاجر فردی است که شهر یا آبادی محل سکونت خود را در بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به شهر یا آبادی دیگری تغییر داده است. یافته‌ها در قالب جداول و نمودارها ارائه و از آماره‌های وی کرامرز و فی(از آماره‌های زیرمجموعه کای اسکویر) نیز برای استنباط روابط استفاده شده است.

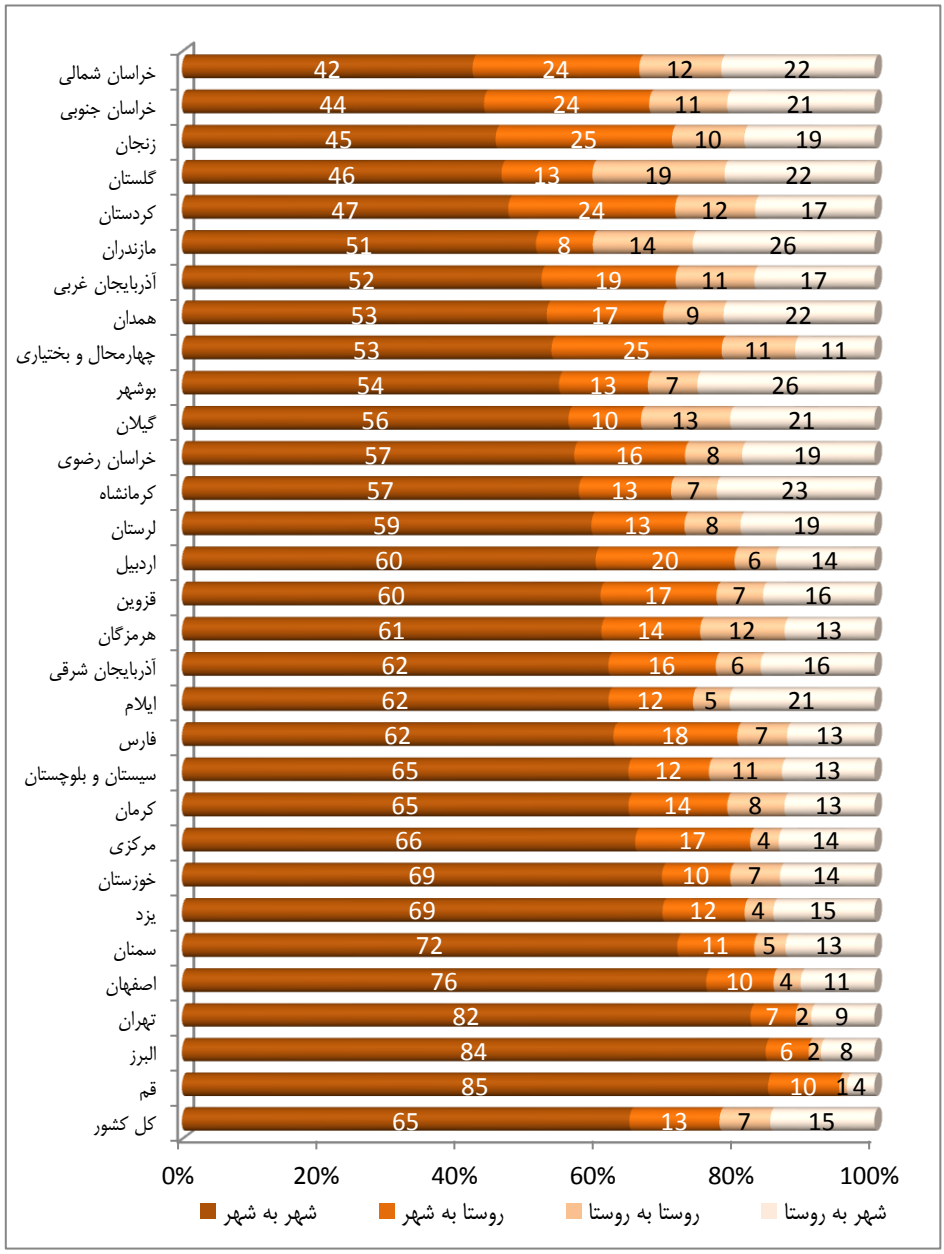
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

یافته‌ها، تحلیل و تفسیر آن‌ها

مهاجرت‌های داخلی و کلان شهرها در ایران

درصد مهاجرت‌های داخلی استان‌ها با مبدأ و مقصد شهری و روستایی بیشتر متأثر از درصد شهرنشینی و روستانشینی استان‌هاست. استان‌های قم، تهران، البرز و اصفهان به ترتیب با داشتن بیش‌ترین میزان شهرنشینی در سرشماری ۱۳۹۰، به ترتیب بیش‌ترین درصد مهاجرت‌های شهر به شهر و کم‌ترین درصد مهاجرت‌های شهر به روستارا به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، استان‌های خراسان شمالی، خراسان جنوبی، زنجان و کردستان کم‌ترین درصد مهاجرت‌های شهر به شهر و بیش‌ترین درصد سایر جریان‌های مهاجرتی را دارا هستند(نمودار ۱). استان‌هایی که درصد شهرنشینی بالا و در نتیجه درصد مهاجرت شهر به شهر بالا و شهر به روستای پایینی دارند، جزء استان‌هایی‌اند که یکی از کلان‌شهرهای ایران را در خود جای داده‌اند. کلان‌شهرهای قم، تهران، کرج و اصفهان از جمله این کلان‌شهرها هستند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



نمودار شماره‌ی یک- توزیع نسبی جهت مهاجرت‌های داخلی کشور برحسب استان- ۱۳۹۰

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مطابق با جدول ۱، بیش‌تر شهرهای ایران از جمعیت کم‌تری برخوردارند و اندازه‌ی این درصد بیش‌تر متأثر از روستاهای تازه به شهر تبدیل شده است. در مقابل، تعداد شهرهای پرجمعیت در ایران کم‌تر است. در سرشماری ۱۳۹۰، هشت شهر، جمعیت بیش از یک میلیون نفر شش شهر، جمعیت بین پانصد هزار تا یک میلیون نفر داشتند. در کل، در سرشماری ۱۳۹۰(جدول ۱) از بین ۱۱۳۹ شهر، ۱٤ شهر جمعیت بالای پانصد هزار نفر داشتند که حدود ٤۵٪ جمعیت نقاط شهری را در خود جای داده‌اند.

جدول شماره‌ی یک- توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان-۱۳۹۰

استان	جمع	تعداد جمعیت							
		کمتر از ۵ هزار	۵ هزار تا ۱۰ هزار	۱۰ هزار تا ۲۵ هزار	۲۵ هزار تا ۵۰ هزار	۵۰ هزار تا ۱۰۰هزار	۱۰۰ هزار تا ۲۵۰هزار	۲۵۰ هزار تا ۵۰۰هزار	۵۰۰ هزار تا یک میلیون	یک میلیون و بیشتر
کل کشور	۱۱۳۹	۳۷۱	۲۷۷	۲۲۲	۱۰۳	۸۱	۵۷	۱۵	٦	۸
آذربایجان شرقی	۵۸	۱۹	۱۷	۱۰	٦	۳	۲	۰	۰	۱
آذربایجان غربی	٤۲	۱۵	۱۰	٤	۵	۳	٤	۰	۱	۰
اردبیل	۲٤	۱۲	۵	۲	۲	۲	۰	۱	۰	۰
اصفهان	۱۰۱	۲۹	۲۷	۲٦	٦	۷	٤	۱	۰	۱
البرز	۱٦	۳	۲	٤	۰	۳	۳	۰	۰	۱
ایلام	۲۱	۱۱	۲	۵	۲	۰	۱	۰	۰	۰
بوشهر	۳۲	۸	۹	۱۰	۱	۳	۱	۰	۰	۰
تهران	۳۹	٤	۲	۹	۸	٦	۵	٤	۰	۱
چهارمحال وبختیاری	۳۱	۷	۱۰	۹	۳	۱	۱	۰	۰	۰
خراسان جنوبی	۲۵	۱٤	۵	۳	۲	۰	۱	۰	۰	۰
خراسان رضوی	۷۲	۲۵	۲٤	۸	۷	۳	٤	۰	۰	۱
خراسان شمالی	۱۸	۹	۲	٤	۰	۲	۱	۰	۰	۰
خوزستان	٦۱	۱٤	۱۵	۱٤	۳	۵	۹	۰	۰	۱
زنجان	۱۸	٦	٦	۲	۱	۲	۰	۱	۰	۰
سمنان	۱۷	۵	٦	۲	۱	۱	۲	۰	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۳۷	۱۳	۸	۹	۱	٤	۱	۰	۱	۰
فارس	۹۳	۲۹	۲۷	۱۷	۹	۷	۳	۰	۰	۱
قزوین	۲۵	۵	۸	٦	۱	٤	۰	۱	۰	۰
قم	٦	۳	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
کردستان	۲۵	۱۳	۲	۲	۲	۳	۲	۱	۰	۰
کرمان	٦٤	۲۲	۲۰	۱۲	٤	۱	٤	۰	۱	۰
کرمانشاه	۲۹	۱٤	۲	۵	٤	۳	۰	۰	۱	۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱٦	٦	۳	٤	۰	۲	۱	۰	۰	۰
گلستان	۲۵	۲	۷	۷	۷	۰	۱	۱	۰	۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ادامه جدول شماره‌ی یک- توزیع شهرهای کشور برحسب تعداد جمعیت به تفکیک استان-۱۳۹۰

استان	جمع	تعداد جمعیت								
		کمتر از ۵ هزار	۵ هزار تا ۱۰ هزار	۱۰ هزار تا ۲۵ هزار	۲۵ هزار تا ۵۰ هزار	۵۰ هزار تا ۱۰۰هزار	۱۰۰ هزار تا ۲۵۰هزار	۲۵۰ هزار تا ۵۰۰هزار	۵۰۰ هزار تا یک میلیون	یک میلیون و بیشتر
گیلان	۵۱	۱۶	۱۰	۱۵	۵	۳	۱	۰	۱	۰
لرستان	۲۵	۱۲	٤	۰	۳	٤	۱	۱	۰	۰
مازندران	۵۳	۱٤	۱۵	۹	۸	۳	۳	۱	۰	۰
مرکزی	۳۲	۱۱	۱۰	۵	۳	۱	۱	۱	۰	۰
هرمزگان	۳۲	۱۳	۸	٦	۳	۱	۰	۱	۰	۰
همدان	۲۷	۱۱	٤	٦	۲	۲	۱	۰	۱	۰
یزد	۲٤	٦	۵	٦	٤	۲	۰	۱	۰	۰

منبع: محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲: ٦۷

روند افزایشی جمعیت ۱٤ شهر پرجمعیت ایران از اولین سرشماری تا سرشماری ۱۳۹۰ در جدول ۲ آورده شده است. ارقام جدول نشان می‌دهد جمعیت این شهرها افزایش زیادی را در طی ۵۵ سال داشته‌اند. تا سرشماری ۱۳۵۵ تنها، شهر تهران جمعیت بالای ۵۰۰ هزار نفر داشته است و برای اولین بار در این سرشماری بود که سه شهر مشهد، اصفهان و تبریز دارای جمعیت بالای ۵۰۰ هزار نفر شدند. شهرهای شیراز، اهواز، قم و کرمانشاه در سرشماری ۱۳٦۵ و کرج در سرشماری ۱۳۷۵ به شهرهای بالای پانصد هزار جمعیت، اضافه شدند. شهرهای ارومیه، زاهدان، رشت، کرمان، همدان نیز شهرهایی هستند که در سرشماری ۱۳۸۵ اضافه شدند. نکته قابل توجه، تغییرات جمعیتی شهر کرج است. جمعیت ۱۵ هزار نفری این شهر در ۱۳۳۵ به ۱٦۱۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافت. هم‌جواری با پایتخت، اثر مهمی در افزایش جمعیت این شهر داشته است. براساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۰، تهران پرجمعیت‌ترین شهر ایران است که بعد از آن به ترتیب شهرهای مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، شیراز، اهواز و قم قرار دارند که دارای جمعیت بالای یک میلیون نفر جمعیت بوده و هشت کلان‌شهر کشور را تشکیل می‌دهند. براساس داده، دو درصد سرشماری ۱۳۹۰، از ۷٤ هزار مهاجر واردشده به ۱۱۳۹ نقطه شهری، نزدیک یک سوم(۲۳۷۰۰ نفر) به هشت کلان‌شهر کشور وارد شده‌اند. کلان‌شهرهای تهران و کرج پذیرای ۵۰٪ مهاجران بوده و بعد کلان‌شهرهای مشهد، شیراز و اصفهان مقصدهای مهمی برای مهاجران می‌باشند. مبدأ مهاجرتی ۳۱٪ مهاجران درون‌استانی، ٦۵٪ بین‌استانی و ٤٪ خارج از کشور می‌باشد. همچنین، تنها ۹/۵٪ مهاجران کلان‌شهری مبدأ روستایی داشته و بقیه از شهرها(معمولاً شهرهای کوچک) وارد این مناطق شده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی دو- جمعیت(به هزار) شهرهای پرجمعیت سال ۱۳۹۰ طی سال‌های ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۰

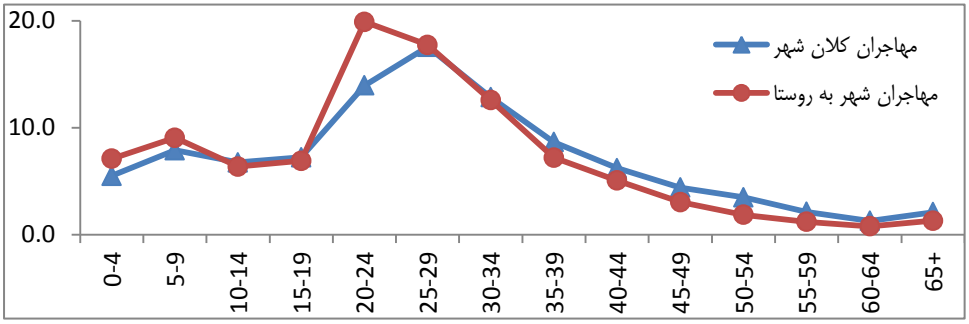
شهر	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	تعداد نمونه	درصد نمونه
تهران	۱۵۱۲	۲۷۲۰	۴۵۳۰	۶۰۴۳	۶۷۵۹	۷۷۰۵	۸۱۵۴	۷۰۵۲	۲۹/۷
مشهد	۲۴۲	۴۱۰	۶۶۸	۱۴۶۴	۱۸۸۷	۲۴۲۷	۲۷۴۹	۲۸۷۰	۱۲/۱
اصفهان	۲۵۵	۴۲۴	۶۶۲	۹۸۷	۱۲۶۶	۱۶۰۰	۱۷۵۶	۲۶۲۰	۱۱/۱
کرج	۱۵	۴۴	۱۳۸	۲۷۵	۹۴۱	۱۳۷۷	۱۶۱۵	۴۷۲۸	۱۹/۹
تبریز	۲۹۰	۴۰۳	۵۹۸	۹۷۱	۱۱۹۱	۱۴۰۰	۱۴۹۵	۱۲۵۰	۵/۳
شیراز	۱۷۱	۲۷۰	۴۲۶	۸۴۸	۱۰۵۳	۱۲۲۷	۱۴۶۱	۲۷۵۸	۱۱/۶
اهواز	۱۲۰	۲۰۶	۳۳۴	۵۸۰	۸۰۵	۹۷۰	۱۱۱۲	۱۲۳۰	۵/۲
قم	۱۰۰	۱۳۴	۲۴۷	۵۴۳	۷۷۸	۹۵۲	۱۰۷۴	۱۱۹۲	۵/۰
کرمانشاه	۱۲۵	۱۸۸	۲۹۱	۵۶۱	۶۹۳	۷۸۵	۸۵۱	–	–
ارومیه	۶۸	۱۱۱	۱۶۴	۳۰۱	۴۳۵	۵۷۷	۶۶۸	–	–
زاهدان	۱۷	۴۰	۹۴	۲۸۲	۴۲۰	۵۵۳	۵۶۱	–	–
رشت	۱۰۹	۱۴۴	۱۸۹	۲۹۱	۴۱۸	۵۵۱	۶۴۰	–	–
کرمان	۶۲	۸۵	۱۴۱	۲۵۷	۳۸۵	۴۹۷	۵۳۴	–	–
همدان	۱۰۰	۱۲۴	۱۶۶	۲۷۳	۴۰۱	۴۷۳	۵۲۶	–	–
جمع	**۳۱۸۶**	**۵۳۰۳**	**۸۶۴۸**	**۱۳۶۷۶**	**۱۷۴۳۲**	**۲۱۰۹۴**	**۲۳۱۹۶**	**۲۳۷۰۰**	**۱۰۰/۰**

منبع: محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲: ۶۸؛ داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

ترکیب سنی و جنسی مهاجران

میانگین سنی کل مهاجران در نمونه‌ی دو درصدی ۲۶/۹ سال است که برای مهاجران شهر به روستا ۲۵/۱ سال و برای مهاجران کلان‌شهری ۲۷/۸ سال به دست آمده است. در نمودار ۲، توزیع سنی دو گروه مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری قابل مشاهده است. ملاحظه می‌شود که تا سن ۲۵ سالگی، مهاجران شهر به روستا ، درصد بیش‌تری را نسبت به مهاجران کلان‌شهری دارند، به‌ویژه در گروه سنی ۲۴-۲۰ سالگی که بیش‌ترین شکاف ایجاد شده بین دو گروه مهاجر مورد بررسی است. از سن ۳۵ سالگی به بعد درصد مهاجران کلان‌شهری بیش‌تر از مهاجران شهر به روستا می‌باشد. بنابراین، مهاجران کلان‌شهری در مقایسه با مهاجران شهر به روستا در سن بالاتری اقدام به مهاجرت نموده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



نمودار شماره‌ی دو- توزیع نسبی گروه‌های سنی مهاجران برحسب نوع مهاجرت

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

جدول شماره‌ی سه- توزیع نسبی گروه‌های سنی مهاجران به تفکیک نوع مهاجرت

گروه سنی	نوع مهاجرت ٪	
	شهر به روستا	کلان‌شهری
۳۰-۱۵ ساله	۷٤/۷	٦۷/۳
٤٥-۳۱ ساله	۱۹/۲	۲۲/۱
٤٦ ساله و بیش‌تر	٦/۱	۱۰/٦
تعداد	۱۱۷۹۰	۲۲۹۲۰
Cramer's V= 0.16 P < 0.001		

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

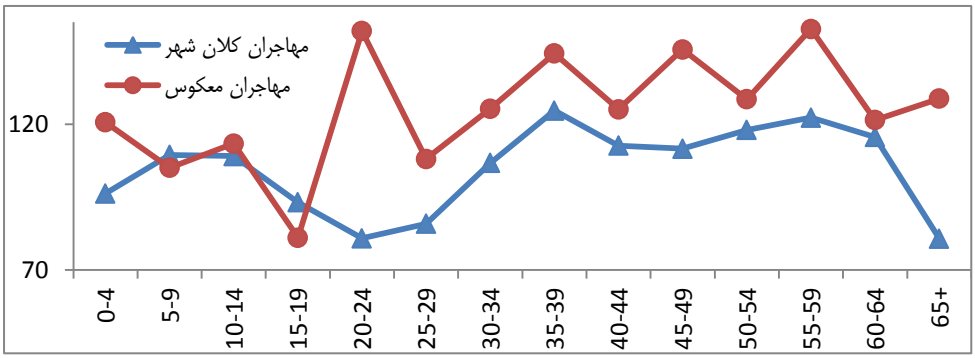
تفاوت سنی دو گروه از مهاجران مورد بررسی از لحاظ آماری نیز معنی‌دار شده است. به‌طوری که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، با کنارگذاشتن مهاجران کودک و نوجوان(زیر ۱۵ سال)، رابطه‌ی معنی‌داری در سطح یک هزارم بین نوع مهاجرت و گروه‌های سنی مهاجران وجود دارد. در گروه سنی ۳۰-۱۵ ساله، درصد مهاجران شهر به روستا بیش‌تر از مهاجران کلان‌شهری بوده و در گروه سنی ٤٥-۳۱ ساله و ٤٦ ساله و بیش‌تر، درصد به‌دست‌آمده برای مهاجران کلان‌شهری بیش‌تر از مهاجران شهر به روستا است.

مطالعه‌ی جریان‌های مهاجرت بر اساس ترکیب و توزیع جنسی نشان می‌دهد که تفاوت مهمی بین دو گروه از مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری وجود دارد. نسبت جنسی مهاجران کلان‌شهری ۹۹/٦ و مهاجران شهر به روستا ۱۲۲ است. این نشان می‌دهد در مهاجرت‌های

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کلان‌شهری توزیع مهاجران مرد و زن به یک اندازه بوده و تعداد زنان تنها ٤٣ نفر بیش‌تر از مردان است. این درحالیست که نسبت جنسی در مهاجرت‌های شهر به روستا بیش‌تر از عدد استاندارد(۱۰۵) بوده و در نمونه ۱۲۱۰۰ نفری تعداد مردان ۱۲۰۰ نفر بیش‌تر از زنان به دست آمده است.

از نکات مورد توجه، تفاوت معنی‌دار نسبت جنسی گروه‌های سنی مختلف در دو جریان مهاجرت شهر به روستا و کلان‌شهری است. در مهاجرت‌های کلان‌شهری، در سه گروه سنی ٢٤-٢٠، ٢٩-٢٥ و ٦٥ ساله و بیش‌تر نسبت به سایر گروه‌های سنی، تعداد زنان بسیار بیش‌تر از تعداد مردان است. این در حالی است که در مهاجرت‌های شهر به روستا تنها در گروه سنی ١٩-١٥ ساله نسبت جنسی کم‌تر از ۱۰۰ بوده و در دو گروه سنی ٢٤-٢٠ ساله و ٥٩-٥٥ ساله نسبت جنسی بیش‌تر از سایر گروه‌های سنی به دست آمده و بالای ۱۵۰ است. بیش‌ترین شکاف ایجادشده در نسبت جنسی دو گروه از مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری در دو گروه سنی ٢٤-٢٠ ساله و ٦٥ ساله و بیش‌تر است. در این دو گروه سنی(اوایل جوانی و سال‌خوردگی) مردان بیش‌تر به مهاجرت‌های شهر به روستا و زنان به مهاجرت‌های کلان‌شهری اقدام می‌نمایند.



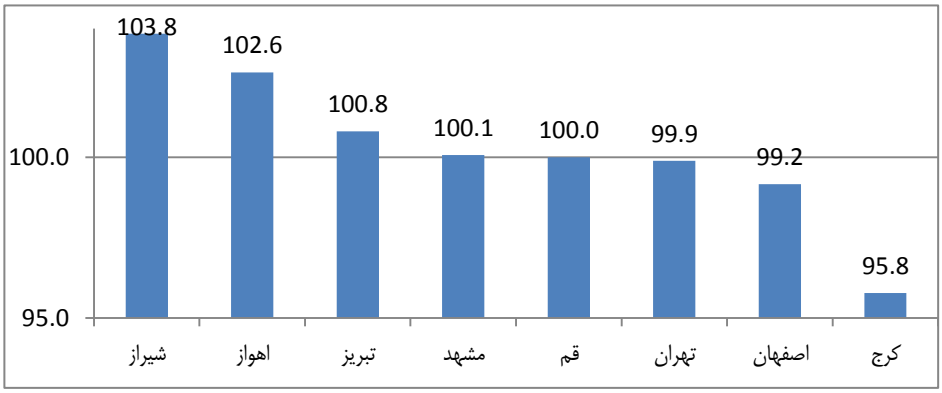
نمودار شماره‌ی سه- نسبت جنسی مهاجران برحسب گروه‌های سنی به تفکیک نوع مهاجرت

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

در نمودار ٤ ملاحظه می‌شود که نسبت جنسی مهاجران در هشت کلان‌شهر مورد بررسی تقریباً نزدیک به هم به دست آمده است. در کلان‌شهرهای قم، مشهد، تهران، اصفهان و تبریز نسبت جنسی عدد ۱۰۰ یا نزدیک به ۱۰۰ بوده است و در کلان‌شهر کرج پایین‌تر از ۱۰۰ و در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کلان‌شهرهای اهواز و شیراز بالاتر از ۱۰۰ می‌باشد. این امر نشان می‌دهد در بین مهاجران وارد شده به کلان‌شهر کرج، تعداد زنان بیش‌تر از مردان بوده و به ازای هر صد نفر زن مهاجر، حدود ۹۶ مرد مهاجر وارد این کلان‌شهر شده است. ولی در دو کلان‌شهر اهواز و شیراز تعداد مردان واردشده بیش‌تر از زنان است. البته باید توجه نمود که تفاوت مشاهده‌شده در نسبت جنسی کلان‌شهرها از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده(مقدار آزمون کای اسکویر رابطه‌ی بین جنس مهاجران با کلان‌شهرهای مقصد برابر است با ۰/۸۴۹) و می‌توان گفت توزیع مهاجران مرد و زن در کلان‌شهرهای ایران تقریباً به یک اندازه بوده و گزینش‌های جنسی خاصی در این زمینه وجود ندارد.



نمودار شماره‌ی چهار- نسبت جنسی مهاجران به تفکیک کلان‌شهرهای مقصد

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

وضع سرپرستی و زناشویی مهاجران

در مهاجرت‌های شهر به روستا حدود ۲۸٪ و در مهاجرت‌های کلان‌شهری حدود ۳۳٪ مهاجران، سرپرست خانوار هستند؛ یعنی کسانی که تصمیم‌گیر اصلی رفتار مهاجرتی خانوارند. استقلال نسبی در جریان مهاجرت، در مهاجرت‌های کلان‌شهری بیش‌تر از شهر به روستا بوده و در مهاجرت‌های شهر به روستا، وابستگان سرپرست خانوار درصد بیش‌تری را نسبت به مهاجرت‌های کلان‌شهری دارند. در جدول ٤ ملاحظه می‌شود که فرزندان و عروس و داماد سرپرست خانوار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

درصد بیش‌تری را در مهاجرت‌های شهر به روستا نسبت به کلان‌شهری دارند، در حالی که در مهاجرت‌های کلان‌شهری، درصد همسر و خواهر و برادر سرپرست خانوار بیش‌تر از مهاجرت‌های شهر به روستا است.

از لحاظ وضع نکاحی، حدود دو سوم مهاجران دارای همسر هستند و نزدیک یک سوم نیز هرگز ازدواج نکرده‌اند. وضعیت‌های نکاحی فوت همسر و مطلقه‌بودن نیز درصدهای خیلی کمی از وضع نکاحی مهاجر را به خود اختصاص داده است که تفاوت‌های قابل توجهی بین مهاجران کلان‌شهری و شهر به روستا وجود ندارد.

جدول شماره‌ی چهار- توزیع نسبی نسبت با سرپرست و وضع نکاحی مهاجران به تفکیک نوع مهاجرت

نسبت با سرپرست / وضع نکاحی	نوع مهاجرت ٪	
	شهر به روستا	کلان‌شهری
سرپرست	۲۷/۸	۳۲/۸
همسر	۲٦/۸	۲۸/٦
فرزند	٤۳/۲	۳٦/٤
عروس و داماد	۱/۵	۰/۵
پدر و مادر	۰/۳	۰/۵
خواهر و برادر	۰/٤	۱/۲
تعداد	۱۱۷۹۰	۲۳۰۳۰
دارای همسر	٦۷/۹	٦٦/۰
فوت همسر	۱/٤	۲/۵
مطلقه	۱/۲	۱/۵
هرگز ازدواج نکرده	۲۹/۵	۳۰/۰
تعداد	۱۰۱۰۰	۲۰٤۵۰

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

وضع سواد و تحصیلات مهاجران

تحصیلات از جمله متغیرهایی است که براساس آن گزینش‌هایی در جریان‌های مهاجرت صورت می‌گیرد. در نمونه‌ی آماری مورد مطالعه، درصد باسوادی در بین مهاجران کلان‌شهری دو ونیم درصد بیش‌تر از مهاجران شهر به روستا است. این تفاوت از لحاظ آماری در سطح یک

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

هزارم، معنی‌دار است؛ ولی شدت این رابطه نسبت به رابطه‌ی بین تحصیلات با نوع مهاجرت در سطح ضعیفی است. در جدول ۵ ملاحظه می‌شود که درصد تحصیلات ابتدایی و نهضت و راهنمایی و متوسطه در مهاجرت‌های شهر به روستا بیش‌تر از مهاجرت‌های کلان‌شهری است. در مقابل، درصد تحصیلات دانشگاهی مهاجران کلان‌شهری دو برابر مهاجران شهر به روستا است.

جدول شماره‌ی پنج- توزیع نسبی وضع سواد و تحصیلات مهاجران به تفکیک نوع مهاجرت

وضع سواد / تحصیلات	نوع مهاجرت ٪	
	شهر به‌روستا	کلان‌شهری
باسواد	۹۱/۷	۹٤/۲
بی‌سواد	۸/۳	۵/۸
تعداد	۱۰۸۷۲	۲۱۷٦۸
$P < 0.001$	Phi = 0.13	
ابتدایی و نهضت	۲۸/۸	۱۹/۰
راهنمایی و متوسطه	۵۷/٦	۵۱/۰
دانشگاهی	۱۳/٦	۳۰/۰
تعداد	۹۸٤۰	۲۰۲۰۰
$P < 0.001$	Cramer's V= 0.23	

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

باتوجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلان‌شهرها، این مناطق جغرافیایی به عنوان مقاصد ایده‌آل برای تحصیل کرده‌های دانشگاهی بوده و یا این که ادامه‌ی تحصیل و کسب مدارج تحصیلی بالاتر یکی از انگیزه‌های مهاجرت افراد به این کلان‌شهرهای ایران می‌باشد.

در جدول ۵ با وجود این که در سطح تحصیلی دانشگاهی تفاوت قابل توجهی بین مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری ملاحظه شد، در بین خودِ هشت کلان‌شهر نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد(جدول ٦). مهاجران واردشده به سه کلان‌شهر تبریز، تهران و اصفهان نسبت به سایر کلان‌شهرها به‌ویژه کرج و در مراتب بعدی اهواز و مشهد، بیش‌ترین درصد مهاجران را با تحصیلات دانشگاهی دارند. در تحصیلات راهنمایی و متوسطه، کرج بیش‌ترین درصد مهاجران واردشده و تبریز و قم کم‌ترین درصد را دارند. در تحصیلات ابتدایی و نهضت نیز وضعیت کلان-شهرها تقریباً شبیه هم بوده و کلان‌شهرهای تهران، شیراز و اصفهان به ترتیب درصد کم‌تری را

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نسبت به سایر کلان‌شهرها دارند. تفاوت اشاره‌شده در زمینه‌ی توزیع سطح تحصیلات مهاجران به تفکیک کلان‌شهرهای هشت‌گانه از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و می‌توان گفت در تصمیم‌گیری به مهاجرت به کلان‌شهرهای ایران سطح تحصیلات مهاجران یک اثرگذاری متوسطی را در این فرآیند تصمیم‌گیری دارد.

جدول شماره‌ی شش- توزیع نسبی سطح تحصیلات مهاجران به تفکیک کلان‌شهرهای مقصد

تحصیلات:	تبریز	اهواز	شیراز	مشهد	اصفهان	تهران	قم	کرج
ابتدایی و نهضت	۲۱/۳	۲۱/۳	۱۷/۱	۲۲/٦	۱۷/٥	۱٦/۷	۲۳/۳	۲۰/۱
راهنمایی‌ومتوسطه	٤٤/۸	٥۱/٥	٥۲/۹	٤۹/٤	٤۹/٦	٤۹/۷	٤٤/۹	٥٦/٥
دانشگاهی	۳۳/۹	۲۷/۲	۳۰/۰	۲۸/۰	۳۲/۹	۳۳/٦	۳۱/۹	۲۳/٤
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
$P < 0.001$			Cramer's V= 0.24					

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

وضع اشتغال و شغل مهاجران

در این جا وضعیت اشتغال برای کل نمونه‌ی مورد بررسی محاسبه و ارزیابی گردیده است. مطابق با جدول ۷، درصد اشتغال در بین مهاجران شهر به روستا ، ٦ نمره بیش‌تر از مهاجران به مناطق کلان‌شهری است و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است. درصد بالای بیکاری در بین مهاجران کلان‌شهری می‌تواند روی بازار کار کلان‌شهرها فشار آورده و بومیان کلان‌شهرها را در بازار عرضه و تقاضا در به‌دست‌آوردن شغل با مشکل مواجه سازند.

توزیع شغل در بین دو گروه از مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری بسیار متفاوت بوده و اثرگذاری شغل مهاجران در نوع جریان‌های مهاجرت آنان در سطح قوی است. باتوجه به کدگذاری و طبقه‌بندی مشاغل حاصل از داده‌های سرشماری از سوی مرکز آمار ایران، برای مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری دو درصد سرشماری ۱۳۹۰، ده دسته از مشاغل به دست آمده است. در مشاغل نظامی و انتظامی تفاوتی بین دو گروه از مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری وجود ندارد. ولی در مشاغل قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران، متخصصان، تکنسین‌ها و دستیاران، کارمندان اداری و دفتری، کارکنان خدماتی و فروشندگان، درصد به‌دست‌آمده برای مهاجران کلان‌شهری بسیار بیش‌تر از مهاجران شهر به روستا است. در مقابل،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

درصد مشاغل کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری، صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط، مونتاژکاران و رانندگان، کارگران ساده، برای مهاجران شهر به روستا بیش‌تر از مهاجران کلان‌شهری است.

جدول شماره‌ی هفت- توزیع نسبی وضع اشتغال و شغل مهاجران به تفکیک نوع مهاجرت

وضع اشتغال / شغل	نوع مهاجرت ٪	
	شهر به روستا	کلان شهری
شاغل	۴۳/۷	۳۷/۶
بیکار	۵۶/۳	۶۲/۴
تعداد	۱۰۰۴۰	۲۰۳۵۶
$P < 0.001$	Phi = 0.12	
نظامی و انتظامی	۵/۰	۵/۲
قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران	۱/۸	۵/۴
متخصصان	۵/۰	۱۵/۵
تکنسین‌ها و دستیاران	۳/۵	۸/۹
کارمندان اداری و دفتری	۲/۳	۶/۳
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۶/۴	۱۱/۹
کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری	۱۹/۵	۱/۵
صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط	۲۰/۶	۱۸/۸
مونتاژکاران و رانندگان	۱۱/۷	۱۰/۲
کارگران ساده	۲۴/۲	۱۶/۴
تعداد	۴۳۰۶	۷۴۰۳
$P < 0.001$	Cramer's V= 0.46	

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

این تفاوت‌ها و جذب گروه‌های خاص از مهاجران با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و پتانسیل‌های اشتغال دو نقطه از مقصد مهاجرتی و ادامه‌ی این تفاوت و کیفیت مشاغل دو گروه از مهاجران می‌تواند در روند و وضعیت توسعه‌ای دو منطقه‌ی مهاجرتی بسیار مؤثر واقع شده که عمدتاً به ضرر مناطق روستایی خواهد بود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در زمینه‌ی توزیع مشاغل مهاجران در کلان‌شهرهای مقصد تفاوت‌های مهم (در سطح معنی‌داری یک هزارم و با شدت اثرگذاری ضعیف مشاغل مهاجران در انتخاب کلان‌شهرهای مقصد) بین برخی از کلان‌شهرها وجود دارد. توزیع مشاغل ده‌گانه با توجه به جمعیت مهاجر هر یک از کلان‌شهرها(جدول ۸) طوری بوده است که هر یک از کلان‌شهرها در یک یا چندین شغل، درصدهای بیش‌تر و کم‌تر را به خود اختصاص داده‌اند. در این زمینه وضعیت کلان‌شهر قم از سایر کلان‌شهرها خاص‌تر است. این شهر در مشاغل؛ متخصصان، کارمندان اداری و دفتری، کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری، کارگران ساده، بیش‌ترین درصد و در مشاغل؛ قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران، تکنسین‌ها و دستیاران، کارکنان خدماتی و فروشندگان، مونتاژکاران و رانندگان، کم‌ترین درصد را در مقایسه با هفت کلان‌شهر دیگر به خود اختصاص داده است. توزیع مشاغل مهاجران در سایر کلان‌شهرها نیز یک تفاوت‌هایی در مقایسه با کلان‌شهرهای دیگر ایران دارد که در جدول ۸ به صورت کامل آورده شده است.

جدول شماره‌ی هشت- توزیع نسبی شغل مهاجران به تفکیک کلان‌شهرهای مقصد

شغل: کلان شهرها:	تبریز	اهواز	شیراز	مشهد	اصفهان	تهران	قم	کرج
نظامی و انتظامی	٦/٥	۷/۸	۷/٥	٥/۷	٥/۳	٥/۰	٤/۸	۲/۸
قانون گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران	٤/٥	٤/۱	٤/۹	٤/٥	٤/۷	٦/۳	٤/۱	٥/۸
متخصصان	۱٥/۱	۱٥/۰	۱۷/۱	۱۳/۰	۱٦/۲	۱۷/۳	۲۱/٤	۱۱/۳
تکنسین‌ها و دستیاران	۷/۸	۷/٥	٦/۹	۸/٥	۹/۹	۹/۳	۳/۷	۱۰/٦
کارمندان اداری و دفتری	٤/۸	۷/۸	٥/۲	٥/۳	٥/۰	۷/۳	۸/۲	٦/۱
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۱۳/۹	۱۲/٥	۱۱/٦	۱۳/۳	۱۰/۰	۱۱/۸	۸/۸	۱۲/٤
کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری	۱/۸	۱/۳	۲/۱	۱/۷	۲/۹	۰/٦	۳/۱	۱/٤
صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط	۲٥/۲	۲۰/٤	۱٥/۱	۲۲/۳	۲۰/۰	۱٦/۳	۱۷/۳	۲۰/٦
مونتاژکاران و رانندگان	۸/۳	۹/۷	۱۲/۲	۹/۸	۱۲/٦	۸/۰	۷/٥	۱۳/۰
کارگران ساده	۱۲/۱	۱۳/۸	۱۷/٤	۱٦/۰	۱۳/٤	۱۸/۰	۲۱/۱	۱٥/۹
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
Cramer's V= 0.19 P < 0.001								

منبع: داده‌های ۲ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نتیجه‌گیری

یافته‌های برآمده از مطالعه نشان می‌دهد در ادامه‌ی تحولات و تغییرات الگوهای مهاجرت داخلی کشورهای توسعه‌یافته و با یک وقفه‌ی چهار پنج دهه‌ای، مهاجرت شهر به روستا در ایران نیز به عنوان یکی از اشکال مهم مهاجرت داخلی نمایان است. جریان مهاجرتی که از آن به عنوان جریان ضد شهرنشینی(بری، ۱۹۷٦) و یا جریان تراکم‌زدایی(چامپیون، ۱۹۸۹) یاد می‌شود. طی دهه‌های شکل‌گیری مهاجرت‌های شهر به روستا در ایران، رشد کلان‌شهرها و مهاجرت‌های کلان‌شهری یکی از پدیده‌ها و مسایل جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و زیست - محیطی بود. با وجود این که بیش‌ترین رشد کلان‌شهرها از سرشماری ۱۳٦۵ به بعد بوده است، هم اکنون نیز مسایل کلان‌شهری به وضوح دیده می‌شود. تراکم بیش از اندازه‌ی جمعیت در کلان‌شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، شیراز، اهواز و قم مسایلی را به وجود آورده است که مدیران و برنامه‌ریزان جمعیتی این شهرها اکثراً بر روی برنامه‌های تراکم‌زدایی این شهرها تأکید دارند. قوت‌گرفتن مهاجرت‌های شهر به روستا در یک منطقه‌ی جغرافیایی می‌تواند در تعادل و تراکم جمعیتی هر دو منطقه‌ی کلان‌شهری و روستایی مؤثر باشد. مشخص‌شدن وجوه مهاجرت‌های شهر به روستا و کلان‌شهری در مقایسه نسبت به هم می‌تواند نکات مورد توجهی را جهت برنامه‌ریزی آمایش جمعیتی فراهم نماید.

از نتایج مهم، شرکت مهاجران با دامنه‌های شغلی متنوع از قانون‌گذاران و مقامات عالی‌رتبه گرفته تا کارگران ساده در جریان‌های مهاجرت شهر به روستا است؛ ولی در این بین، درصد کارگران ماهر کشاورزی و نیز کارگران ساده در جریان‌های مهاجرت شهر به روستا بسیار بیش‌تر از مهاجرت‌های کلان‌شهری است. بیش‌تر مهاجران شهر به روستا از نوع مهاجران برگشتی‌اند. مهاجرانی که از روستا به سوی شهرها مهاجرت نموده و دوباره به مبدأ روستایی خود بازگشته‌اند. نتایج حاصل از شغل مهاجران نشان می‌دهد، مهاجران روستایی که در شهرها بیش‌تر به کارگری روزمزد مشغول بوده‌اند، در اثر تضعیف وضعیت اقتصادی شهرها و کاهش سطح تولیدات صنایع و کارگاه‌های شهری، بهترین راهکار را در برگشت به مبدأ روستایی خود دیده‌اند. طبیعی است که بدون داشتن درآمد ثابت، زندگی در مبدأ روستایی بسیار راحت‌تر و به صرفه‌تر از زندگی در مقصد شهری است. در پیش‌بینی احتمال وقوع مهاجرت‌های شهر به روستا و برنامه‌ریزی جهت افزایش این نوع جریان مهاجرتی باید روی این دو نوع مشاغل تأکید بیش‌تری شود. مشاغلی که در جهت‌دادن شهرنشینان(بیش‌تر روستاییان شهرنشین) به مقصدهای روستایی بسیار مهم می‌باشند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مشاغل نظامی و انتظامی، قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران، متخصصان، تکنسین‌ها و دستیاران، کارمندان اداری و دفتری، کارکنان خدماتی و فروشندگان، صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط، مونتاژکاران و رانندگان، در جهت‌دادن مهاجران به سمت کلان‌شهرها مؤثر می‌باشند.

مطابق با توضیحات بالایی، باید توجه کرد که یک بخش عمده اثرگذاری اشتغال در مهاجرت‌های شهر به روستا ، به وضعیت اقتصادی و اشتغال کشور برمی‌گردد. زمانی که شاهد رکود اقتصادی هستیم، جریان ضدشهرنشینی شکل گرفته و مهاجرت شهر به روستا شدت می‌یابد؛ زیرا در این شرایط بخش صنعت که بیش‌تر در نقاط شهری متمرکز است، آن اهمیت و کارایی خود را از دست می‌دهد. البته جهت مستندکردن این تبیین، نیاز به داده‌های کلان اقتصادی در زمینه‌ی رکود، تورم و قدرت خرید مردم و غیره است که خود نیاز به مطالعه و تحقیق جداگانه‌ای دارد. درصد تحصیلات دانشگاهی در بین مهاجران کلان‌شهری و درصد تحصیلات ابتدایی و نهضت و راهنمایی و متوسطه در بین مهاجران شهر به روستا بیش‌تر بوده است.

با توجه به شکل‌گیری، موقعیت جغرافیایی، وضع اقتصادی و صنعتی و نیز موقعیت تجاری و سیاسی کلان‌شهرها، موجب گردیده هر یک از آن‌ها در برهه‌های خاص از تاریخ به مراکز جمعیتی مهم کشور تبدیل گردند. با توجه به این پیشینه و بسترهای متفاوت کلان‌شهرها، شغل و تحصیلات مهاجران واردشده به این مناطق نیز تفاوت عمده‌ای از هم‌دیگر دارند. در نظریه‌ی لی و دیدگاه جاذبه و دافعه اشاره گردید که هریک از مناطق مبدأ و مقصد توأم با مجموعه‌ای از عوامل مثبت و منفی است. در کلان‌شهرها نیز این برتری عوامل مثبت است که موجب می‌گردد مهاجران به این مناطق، عوامل منفی کلان‌شهرها(همانند آلودگی هوا، ترافیک و هزینه‌ی بالای مسکن) را نادیده گرفته و اقدام به مهاجرت نمایند. با توجه به ارزیابی متفاوت افراد با ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت، مهاجران واردشده به هریک از کلان‌شهرها می‌تواند با توجه به ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی‌شان مقوله‌بندی شوند. جهت اولویت‌بندی و مهم‌شمردن مهاجرت به هر یک از کلان‌شهرهای ایران، بهتر است به این تفاوت‌های اجتماعی- اقتصادی مهاجران واردشده به کلان‌شهرها توجه نموده و آن زمینه‌های تاریخی را که سبب تبدیل‌شدن این مناطق به کلان‌شهر شده‌اند به خاطر سپرد.

در کل، ملاحظه گردید که مهاجران واردشده به مناطق روستایی از لحاظ ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی کیفیت و پتانسیل پایین‌تری را نسبت به مهاجران کلان‌شهری دارند. مهاجران واردشده به کلان‌شهرها در مقایسه با مهاجران روستایی بیش‌تر در سنین فعالیت، با درصد باسوادی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بیش‌تر و داشتن سطح تحصیلات دانشگاهی و نیز استقلال بیش‌تر در امر تصمیم‌گیری جریان مهاجرت، وضعیت بهتری را دارند. این تفاوت در ویژگی‌های یادشده در سطح توسعه‌ای کمی و کیفی دو منطقه‌ی مهاجرتی یادشده، تأثیرات متفاوتی را به همراه خواهد داشت. اثراتی که بیش‌تر به نفع کلان‌شهرهاست. ولی، باتوجه به تراکم جمعیتی بیش‌تر در کلان‌شهرها و تراکم پایین و حتی خالی از سکنه‌بودن روستاها، هر اقدام و برنامه‌ریزی که موجب جهت‌دهی جریان‌های مهاجرتی از کلان‌شهرها به سوی مناطق روستایی گردد، می‌تواند منجر به تعادل جمعیتی کشور و درنتیجه زمینه‌ساز توسعه‌ی متوازن کشور گردد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. تودارو، مایکل. (۱۳٦۷). *مهاجرت داخلی در کشورهای درحال‌توسعه*. ترجمه‌ی مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

۲. زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۰). *مهاجرت*. تهران: سمت.

۳. قاسمی‌اردهایی، علی. (۱۳۹۵/۳/۱۱). *تحلیل جریان‌های مهاجرت به مناطق ۲۲ گانه شهر تهران. نشست تخصصی تحولات جمعیتی شهر تهران: ابعاد و چالش‌ها*. شهرداری تهران.

٤. لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳٦۸). *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

۵. محمودیان، حسین و علی قاسمی‌اردهایی. (۱۳۹۲). *بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران*، تهران: دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل.

٦. مرکز آمار ایران، *داده‌های نمونه‌ای ۲ ٪ سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰*.

۷. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰.

۸. مظاهری ، محمد. (۱۳۹۰). تحلیلی بر تأثیر متقابل فضایی کلان‌شهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیرگذار آن. *تحقیقات جغرافیایی*، (۱۰۲)، ۱۸۸- ۱٦۹.

9. Beauchemin, C (2011) “Rural-Urban migration in West Africa: towards a reversal? Migration trends and economic situation in Burkina Faso and Coted, Ivories, Space and Place, 17: 47-72.

10. Berry, B (1976) The conterurbanization process: urban America since 1970. In Urbanization and Counterurbanisation, Sage, Beverly Hills, CA, 17-30.

11. Borgegard, L., H. akansson, and G. Malmberg (1995) “Population redistribution in Sweden-long term trends and contemporary tendencies”, Geographical, 77: 31-45.

12. Champion. A (1989) Counterurbanisation –the changing pace and nature of population Deconcentration, Edward Arnold: Lonon.

13. Dean, K., B. Brown, R. Perry and D. Shaw (1984) “The conceptualization of counter urbanization”, Area, 16(1): 9-14.

14. Ferry, W (1989) “United States: counter urbanization and metropolis depopulation”, In Counter urbanization, the changing pace and nature of population deconcentration, Champion AG, Edward Arnold: London: 36-61.

15. Fielding, A (1982) “Counterurbanisation in Western Europe”, Progress in Planning, 17: 1-52.

16. Geyer, H (1996) “Expanding the theoretical foundation of differential urbanization”, Social Geography, 87: 44-59.

17. Gordon, P (1979) “Dconcenteration without a clean break”, Environment and Planning, 11: 281-290.

18. Kahsai, M., and P. Schaeffer (2009) Deconcentration, counter-urbanization or trend reversal? Regional Research Institute, West Virginia University.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

19. Kontouly.T (1998) "Contrasting the Counterurbanisation experience in European nation", Migration into Rural Areas: 61-78.
20. Kontouly,T., and R. Vogeslang (1988) "Explanations for the intensification of counter urbanization in Federal Republic of Germany, Prof Georg, 40: 42-53.
21. Mangalam, J (1968) "Human migration: A guide to migration literature in English 1955-1962", University of Guelph: Canada.
22. Mosley, M (1984) "The revival of rural area in advanced economies: A review of some causes and consequences", Geoforum, 15: 447-456.
23. Okali, D., and J.Olawoye (2001) The Case of Aba and its Region, Southeastern Nigeria, Working Paper Series on Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies, Working Paper 4, Human Settlements Programmed IIED.
24. Ravenstein, E (1885) "On the lows of migration", Royal Statistical Society, 48(2): 167-235.
25. Thompson, W (1968) Internal and external factors in the development of urban economies, Issues in urban economics, Baltimore: Hopkins University Press.
26. Vining, D., and T. Kountuly (1978) "Population dispersal from major metropolitan regions: An international comparison", International Regional Science Review, 3: 49-73.
27. Walford, N (2004) "Searching for a residential resting place: population in-migration and circulation in Mid-Wales", Population, space and place, 10: 311-329.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]